کارگاه مجازی داستان با غفارزادگان

دوره «آموزش مجازی داستان کوتاه» ویژه اعضای پایگاه نقد داستان با تدریس داوود غفارزادگان برگزار می‌شود. آن‌طور که روابط‌عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران خبر داده، علاقه‌مندان با ارائه رزومه ادبی و ارسال داستان کوتاه بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ کلمه می‌توانند به جمع فراگیران راه پیدا کنند. اعضای پایگاه نقد داستان برای ثبت‌نام باید تا ۲۰ خرداد به درگاه اینترنتی www.naghdedastan.ir مراجعه و اطلاعات خواسته‌شده را تکمیل کنند.

بهبود حال حسام

حمید حسام، نویسنده و پژوهشگر دفاع مقدس که در پی بیماری در بیمارستان بستری شده بود دوشنبه ۱۰ خرداد تحت عمل جراحی قرار گرفت و در حال حاضر، وضعیت عمومی خوبی دارد. این خبر را مهر منتشر کرده و نوشته، علت بستری‌شدن این نویسنده دفاع مقدس ابتلا به بیماری کرونا نیست و بیماری دیگری دلیل بستری شدن حسام در بیمارستان بوده است.

یادداشتی از محمدحسین دانایی، خواهرزاده جلال آل احمد در پاسخ به مطلبی که پیشتر درباره خانه سیمین و جلال در جام جم منتشر شده بود

در ادامه یک سوءتفاهم

پیمان طالبی

ادبیات و هنر

۲۸ اردیبهشت گزارشی در مورد خانه موزه مهدی اخوان‌ثالث در صفحات ۱۰ و ۱۱ جام جم منتشر شده بود. در حاشیه این گزارش، یادداشتی با نام «انحصارطلبی یا خلأ کیفیت؟» نوشته بودیم که در تلاش بود بررسی کند چرا خانواده‌های هنرمندان و اشخاص مشهور غالبا از آثاری که درباره آن شخصیت ساخته می‌شود، ناراضی‌اند. در ذکر نمونه‌هایی برای فرضیه ابتدایی این یادداشت به ماجرای خانه-موزه جلال آل احمد و سیمین دانشور اشاره شده بود و عنوان میان‌تیتر مربوط نیز «سهم‌خواهی از خانه سیمین و جلال» بود. جناب محمدحسین دانایی، خواهرزاده جلال یادداشتی در پاسخ به این مطلب نوشته که طبق قانون مطبوعات در ادامه خواهد آمد. خوانندگان محترم که مطلب جام جم را خوانده بودند اکنون می‌توانند جوابیه محمدحسین دانایی را نیز بخوانند و درنهایت خود قضاوت کنند. مساله اصلی آن یادداشت این بود که خانواده‌های هنرمندان و اشخاص مشهور نباید نگاه انحصارطلبانه به آن فرد داشته باشند و اجازه دهند جامعه قرائت‌های مختلفی حول محور آن شخص و آثارش ارائه کند.

جناب دانایی در این یادداشت بر تمام مواردی که ما در مطلب مورد بحث به آنها اشاره کردیم، تأکید کرده‌اند و این‌طور برمی‌آید کل مساله‌ای که موجب شده ایشان آن یادداشت را «آکنده از سوءظن، همراه با بوی تند بغض و خشم و قضاوت‌های عجولانه بدون ابتنای بر علم و آگاهی و بدون ارائه ادله کافی» بدانند، صرفا یک سوءتفاهم ساده باشد. در ادامه، یادداشت محمدحسین دانایی را می‌خوانید.

در روزنامه جام جم مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ مطلبی بود تحت عنوان «انحصارطلبی یا خلأ کیفیت؟» ظاهرا برای جست‌وجوی پاسخ این سؤال که «چرا خانواده‌های هنرمندان و اشخاص مشهور غالبا از آثاری که درباره آن شخصیت[ها] ساخته می‌شود ناراضی‌اند؟» مطلبی بود آکنده از سوءظن، همراه با بوی تند بغض و خشم و قضاوت‌های عجولانه بدون ابتنای بر علم و آگاهی و بدون ارائه ادله کافی، با این نتیجه‌گیری عجیب و غریب که: بازماندگان شخصیت‌ها و مشاهیر اولا «انحصارطلب»اند، ثانیا «سهم‌خواهی» می‌کنند!

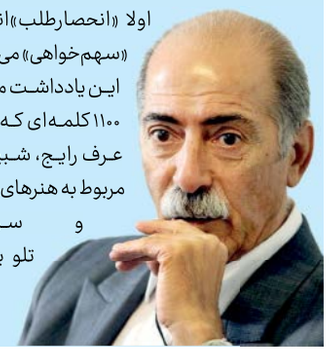

محمدحسین دانایی؛ خواهرزاده جلال آل احمد

این یادداشت مطبوعاتی ۱۱۰۰ کلمه‌ای که برخلاف عرف رایج، شبیه متون مربوط به هنرهای نمایشی و سریال‌های تلویزیونی اپیزودبندی! شده، ابتدا به این نکته صحیح اشاره کرده که: «خانواده‌ها احساس می‌کنند اتفاقی که در یادبود عزیزشان افتاده، اعم از تاسیس خانه-موزه یا ساخت مستندی درباره‌اش، غالبا نتوانسته آن‌گونه که باید، او را به تصویر بکشد و جلوه‌های شخصیت او را به نمایش بگذارد.» سپس از خانواده‌های شهیدان اصغر وصالی و مرتضی آوینی و زنده‌یادان جلال آل احمد، سیمین دانشور، مهدی اخوان ثالث و داوود رشیدی به‌عنوان مصادیقی از این عدم رضایت نام برده شده اما در فراز بعدی بدون هرگونه منطق عقلی و ارتباط علّی قابل فهم، ادعا شده‌است که اقدامات و واکنش‌های روشنگرانه بازماندگان را «می‌توان انحصارطلبی در «قرائت» نامید!»

در این نوع استنتاج آمیخته با خلط مبحث، معلوم نیست که بحث نویسنده بر سر «خود» حقیقت است یا بر سر «قرائت» از حقیقت؟ این چه نوع منطقی است که فرق بین «حقیقت» و «قرائت» از آن را نادیده می‌گیرد و با آمیختن دو امر متفاوت، دست به استدلال می‌زند که: «خانواده یک شهید یا یک هنرمند، از آنجا که با او زندگی کرده‌اند و حالات او را در شرایط مختلف دیده‌اند، تصویر مشخصی از او دارند که این تصویر «لزوما» نباید با تصویری که جامعه از هنرمند یا شهید دارد، یکسان باشد!» از ایشان می‌پرسم: چرا این دو تصویر «لزوما» نباید یکسان باشند؟ مگر «حقیقت» هر پدیده یا هر امری از امور عالم متعدد است و هر کسی می‌تواند بدون توجه و التزام به «حقیقت» واقع، خودش برای خودش یک «حقیقت» مفروض جعل کند؟ یکی از بدیهیات عقلی این است که «حقیقت» واقع هر پدیده یا هر امری از امور عالم، یکی است و دوتا و سه تا ندارد اما در عین حال، یکی دیگر از بدیهیات عقلی هم این است که درک و دریافت و استنباط یا «قرائت» از همان «حقیقت» واحد می‌تواند متعدد و متفاوت باشد. دغدغه اینجانب و به احتمال زیاد بستگان دیگر شخصیت‌های مورد بحث هم اصلا وجود «قرائت»های گوناگون نیست، بلکه حساسیت ما بر سر «خود» حقیقت است، یعنی همان عنصر واحدی که یکی است و هر چیزی غیر از آن، وهم و خیال و شاید هم جعل و دروغ است. چطور می‌توان انتظار داشت که همسر یا فرزند یا دیگر بستگان یک شخصیت، تصویر یا مجسمه یا اثر دیگری از آن شخصیت را ببینند و درباره شباهت داشتن یا نداشتن آن اثر با حقیقت واقع اظهارنظر نکنند، آن هم از ترس این‌که مبادا «انحصارطلبی» و فاقد اعتبار باشد؟ در حالی که قضیه درست برعکس است، یعنی نه‌تنها نظر و عقیده خانواده درباره آثار مزبور فاقد اعتبار نیست، بلکه معتبرترین معیار و مبنا برای همه تصویرهایی است که دیگران می‌توانند داشته باشند. چرا؟ دقیقا به همان علتی که نویسنده یادداشت هم اعتراف کرده، یعنی زندگی کردن با آنان و دیدن حالات ایشان در شرایط مختلف. در واقع، معرفت و شناخت بستگان نسبت به شخصیت‌های مزبور، از نوع معرفت «شهودی» و «تجربه زیسته» است، نه شناخت ناشی از اطلاعات دست دوم و سوم و گاهی هم خیال و گمان و وهم.

به گفته سقراط حکیم: آنجا که حقیقت نباشد، همه چیز پست و زشت و مبتذل است. پس انسانیت نیازمند حقیقت است و انسان موظف است که عاشق حقیقت باشد و تا پای جان برای آن بجنگد. چه لذتی بالاتر از این که پرده‌های وهم و خیال و احیانا فریب و سوءاستفاده را کنار بزنیم تا خورشید حقیقت از پس ابرهای گمراهی بیرون بیاید و جلوی اشاعه خلاف حقیقت یا حقیقت کاذب را بگیرد؟

دغدغه بنده و به احتمال زیاد، عموم بازماندگان افراد مشهور و خانواده کسانی که اصطلاحا به «سرمایه‌های نمادین جامعه» تبدیل شده‌اند، همین احساس نیاز و تعهد فردی و جمعی نسبت به حقیقت است و آنچه ما را به حرکت وامی‌دارد و به سوی واکنش می‌کشاند، نگرانی از این بابت است که مبادا بعضی‌ها-بنا به ملاحظات و شاید منافعی؟-حقیقت وجودی شخصیت‌های مزبور را مخدوش و تحریف و مصادره کنند. ما بازماندگان مشاهیر که افتخارمان میراث‌داری آنان است و نه میراث‌خواری! وظیفه داریم که با هشیاری و اقدام به‌موقع، جلوی استیلای جهل و جعل و تحریف را بگیریم، نگذاریم که حقیقت وجودی شخصیت‌های مزبور در پیشگاه بت‌های قدرت و ثروت و شهرت و شهوت و امیال و هواهای نفسانی دیگر قربانی شود. باز هم یادآوری می‌کنم که این امر به‌هیچ‌وجه نافی حق داوری مستقل و به قول نویسنده «قرائت» خاص دیگران نیست و این حق را از دیگران سلب نمی‌کند که پس از اطلاع‌یافتن از حقیقت واقع، مطابق آنچه می‌فهمند و می‌پسندند، داوری و عمل کنند.

اتهام دوم که به طور خاص به سوی نگارنده هدف‌گیری شده، اتهام «سهم‌خواهی» است، چرا که سه سال پیش در جریان افتتاح خانه-موزه سیمین و جلال، از دولتی‌شدن اکثر امور شکایت و پیشنهاد کردم که «شهرداری تهران حضور و مسؤولیت خودش در این پروژه کوچک را در حد زیربناسازی محدود بداند و به فکر تصدیگری مستقیم در دوره بهره‌برداری نباشد.» آیا اظهارنظر درباره ناکارآمدی نهادهای دولتی و شبه‌دولتی که همه به آن معترفند و بعد هم پیشنهاد باز کردن فضا برای حضور نهادهای مدنی و نیروهای مردمی در اداره امور ملی و محلی، نشانه «سهم‌خواهی» است، آن هم در شرایطی که همه دنیا به این نتیجه قطعی رسیده است که اکثر دولت‌ها از چارچوب وظایف ذاتی خودشان خارج شده‌اند و تنها راه عقلایی برای رفع ناکارایی آنها هم تبدیل شدن «دولت‌های توسعه‌گر» به «دولت‌های تسهیل‌گر» است؟ آیا نویسنده یادداشت مزبور که نگارنده این سطور را به «سهم‌خواهی» متهم کرده، اطلاع ندارد که در همین کشور خودمان تاکنون چندین برنامه و قانون و بخشنامه و دستورالعمل و الگو برای کاهش تصدیگری‌های دولت و مشارکت بخش خصوصی صادر شده تا به‌تدریج مردم و نهادهای مدنی به میدان بیایند و زمام امور اجتماعی را به‌عهده بگیرند؟

بنابراین نه «انحصارطلبی» در بین است و نه «سهم‌خواهی»، بلکه آنچه مطرح است پاسداری از حریم حقیقت و جلوگیری از جعل و تحریف یا دخالت‌های بیجاست، درست شبیه آنچه توسط نهادهایی مثل مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) در سطح بسیار وسیع‌تر انجام می‌شود. والسلام

تصویری از خانه-موزه سیمین و جلال

شرکت «طراحان ماندگار عصر» طراح و مجری عناصر شهری و معماری برای نمای داخلی و خارجی برج‌ها، طرح‌های متنوعی را در سطح ایران و کشورهای همسایه اجرا کرده است

طراحی عناصر شهری اصیل با طراحان ماندگار عصر

ریحانه رادی

نشان ایرانی ۲

وقتی به شهر جدیدی سفر می‌کنیم، هنگام عبور از خیابان‌ها و میدان‌های شهر، آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند، مجسمه‌ها و عناصر معماری شهری است. تمام اجسامی که در پیرامونمان در شهرها می‌بینیم، جزو عناصر شهری (یا المان شهری) هستند؛ عناصری که گاهی می‌توانند روایتگر تاریخ، حوادث، اعتقادات و خاطرات مردم آن محله، شهر یا کشور باشند و به‌نوعی شناسنامه هویتی ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه محسوب شوند. گاهی نیز هدف از طراحی و ساخت آنها روح بخشیدن به فضا و داشتن شهری زیبا، سرزنده و پویا است. سابقه استفاده از عناصر معماری شهری در بیشتر شهرهای ایران طولانی است؛ از برج آزادی و برج میلاد تهران گرفته تا عناصر و مجسمه‌هایی که به مناسبت جشن‌های نیمه‌شعبان یا نوروز در شهرهای مختلف برپا و نصب می‌شود از عناصر شهری محسوب می‌شود. با این حال در سال‌های اخیر توجه کمتری به این عناصر شده و جای خالی مشاوران و مجریان توانمند در این حوزه بیشتر از قبل احساس می‌شود. در همین راستا شرکت خلاق و نوآور «طراحان ماندگار عصر» در شهر اردبیل از سال ۹۰ فعالیت خود را در طراحی و ساخت عناصر اصیل معماری شهری آغاز کرده است.

مدیرعامل و بنیانگذار «طراحان ماندگار عصر» اکنون دانشجوی مقطع دکترای معماری در دانشگاه ییلدیز تکنیک ترکیه است. شهرام بافنده نظیفی، برخلاف بیشتر دانشجویان معماری که به‌دنبال ساختمان‌سازی می‌روند، فعالیت در بخش معماری و عناصر شهری را هدف خود قرار داده است و می‌گوید اولین یا دومین فرد فعال در این زمینه در کشور است. او درباره علت انتخاب این حوزه برای فعالیت به جام‌جم می‌گوید: «برای مثال در تهران تا دلتان بخواهد ساختمان می‌بینید و کمتر عنصر معماری شهری به‌چشم می‌آید. از همین‌رو ما در بحث عناصر معماری شهری سرمایه‌گذاری کردیم. امروزه هر مهندسی وارد این حوزه نمی‌شود، زیرا هم در اجرا دشوار است و هم در طراحی و ساخت. از طرفی باید برای یک شهر و کشور هویت طراحی کنیم و این مسؤولیت بسیار بزرگی است.»

مهندس بافنده نظیفی در ادامه به جوانانی که می‌خواهند کارآفرین شوند، توصیه می‌کند: «تا جایی که می‌توانید تجربه‌های میدانی به‌دست آورید و از تجربیات افراد موفق استفاده کنید. چنان‌که من هم گاهی از این تجربه‌ها استفاده نکردم و وقتی با تصمیم‌گیری‌های بلندپروازانه وارد بازار شدم، به‌کسب‌وکارم آسیب وارد شد. به نظر من یک کارآفرین باید ۵۰ درصد شهودی و ۵۰ درصد هم منطقی و با کمک تجربیات دیگران به کسب‌وکارش نگاه کند. به‌یاد داشته باشید که پیشرفت بعد از ریسک کردن به دست می‌آید، اما سعی کنید ریسک حساب‌شده‌ای انجام دهید تا پیشرفت کنید.»

کارگروه‌های شرکت طراحان ماندگار عصر

در این مجموعه باتوجه به داشتن همکارانی با استعداد که همه از نخبه‌های علمی، فرهنگی و مهندسی هستند، ۹ کارگروه به‌منظور مدیریت فعالیت‌های مختلف این شرکت، شکل گرفته است. دکتر بافنده نظیفی این شرکت و ۹ کارگروهش را به تانکی با ۹ لوله پرتاب تشبیه می‌کند و می‌گوید: «شرکت ما رویکرد چابک‌سازی دارد و در هر شرایطی می‌تواند تغییر کند. به‌نظر من اگر مدیر داخلی یا مدیرعاملی خودش در کاری استعداد نداشته باشد، شکل‌گیری کارگروه‌های اضافه می‌تواند آنها را کلافه کند و برایشان آسیب‌زننده باشد.» این ۹ کارگروه شرکت «طراحان ماندگار عصر» عبارتند از:

کارگروه گرافیک، انیمیشن و تبلیغات: این کارگروه بازار بسیار خوبی دارد و یکی از بازارهای بسیار گران و باارزش محسوب می‌شود.

کارگروه معماری و شهرسازی: به گفته مدیرعامل این مجموعه: «در کشور ما حدود پنج تا ۱۰ سال است که شهرسازی به معنای واقعی آن اجرا می‌شود و هرکسی وارد این وادی شود، جزو اولین‌ها خواهد بود.»

کارگروه سرمایه‌گذاری: این کارگروهی بسیار کارآمد و متناسب با شرایط اقتصادی کشور است. مهندس بافنده نظیفی در معرفی این کارگروه می‌گوید: «از آنجایی‌که جانی برای شهرها و اقتصاد شهرها باقی نمانده است، شهرداری‌ها نمی‌توانند پروژه‌های ساخت عناصر معماری شهری را اجرا کنند. این کارگروه به‌صورت مداوم و مشارکتی پروژه‌های ساخت عناصر معماری شهری را به‌گونه‌ای اجرا می‌کند که از داخل فضای آنها بتوان به‌عنوان مرکزی خدماتی استفاده کرد و درآمد حاصل از آن، هزینه پروژه را جبران کند.» وی درادامه می‌افزاید: «در این کارگروه صرفا به سرمایه مالی نیاز نیست و فکر و ایده‌های بکر نیز سرمایه ما هستند.»

کارگروه آموزش و تربیت مهندس: این مجموعه با برگزاری کلاس‌های آموزشی برای دانشجویان مهندسی معماری، علاوه بر کسب درآمد و تامین هزینه‌های مالی شرکت، نیروهای خوبی را پرورش می‌دهد و از دانشجویان با استعداد این کلاس‌ها دعوت به همکاری می‌کند.

مدیرعامل این شرکت درباره لزوم تشکیل این کارگروه می‌گوید: «دانشگاه‌های ما دانشجویان را علمی، عملی و ملموس با کارهای واقعی تربیت نمی‌کنند و ما نیز از نبود نیروهای کافی و خوب رنج می‌بریم.»

کارگروه مهندسی فروش و بازرگانی: این کارگروه بسیار تاثیرگذار است و با تولید محتوای این بخش، فروش شرکت طراحان عصر ماندگار نیز به‌خوبی جلو می‌رود.

کارگروه فرهنگی، هنری و اجتماعی: این کارگروه سعی می‌کند با نفوذ در بحث معنویت جامعه، پروژه جذب کند. بنیانگذار «طراحان ماندگار عصر» در این باره می‌گوید: «برای مثال ما عنصر معماری به نام نفس برای یادمان ایثارگران پیوند اعضا طراحی کرده‌ایم. درحال‌حاضر این پروژه ما از سطح ملی گذشته و درحال رسیدن به سطح بین‌المللی بوده و قرار است این عنصر معماری را در اسپانیا نیز اجرا کنیم.»

کارگروه ساخت، تولید و کارخانه: در کارخانه طراحان ماندگار عصر، علاوه بر اینکه تمامی محصولات سازه‌ای آنها ساخته می‌شود، محصولات دیگری مانند استند و تابلو و... نیز می‌سازند.

کارگروه معماری، ساختمان و ابنیه: در این کارگروه به طراحی و معماری ساختمان‌ها و ابنیه گوناگون پرداخته می‌شود.

کارگروه امور بین‌الملل و پروژه‌های خارجی: در این کارگروه متخصصان زبان خارجه، تمام کشورهای خارجی را مورد مطالعه قرار می‌دهند تا شرکت بتواند محصولات فرهنگی، هنری و... خود را با مطالعات دقیق و هوشمندانه، بازار خود را شناسایی کرده و به‌فروش برساند.

شهرام بافنده نظیفی در پایان این گفت‌وگو می‌گوید: «ما در این شرکت کارهای فراوان کرده‌ایم و شب‌بیداری‌های زیادی داشته‌ایم ولی متاسفانه هیچ انگیزه‌ای به‌اندازه تلاش‌هایمان در مسئولان شهر ندیدیم. به بیشتر اداره‌هایی که مراجعه کردیم، رفتارشان کلیشه‌ای بود و چندان خوب نبود. اما جا دارد تشکر کنم از زحمات دکتر حبیب ابراهیم‌پور، رئیس پارک علم و فناوری استان اردبیل که ازنظر روحی واقعا حامی ما بودند و در این راه ما را راهنمایی کردند و انگیزه دادند.»

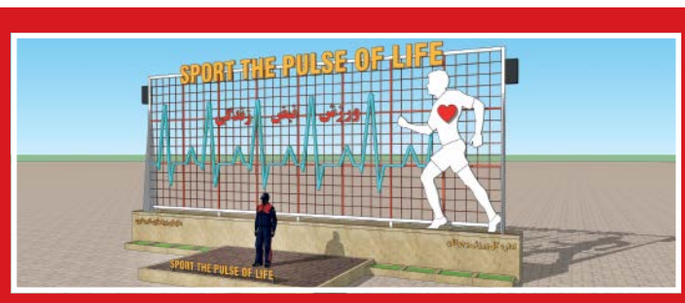

TARRAHAN-E MANDEGAR ASR

طرح‌های اجرا شده

به‌گفته مهندس شهرام بافنده نظیفی، مشابه هیچ‌یک از آثار و محصولات ساخته‌شده در این مجموعه را در کشورهای خارجی و داخل کشور مشاهده نمی‌کنید. زیرا این مجموعه برای پروژه‌هایش، طرحی اصیل طراحی می‌کند و در کنار هر پروژه بازدید و مطالعات میدانی دارد. وی دراین‌باره به جام‌جم می‌گوید: «علت موفقیت ما این است که مشابه هیچ‌یک از محصولات تولیدی ما در بازار پیدا نمی‌شود و ما به یکه‌تاز بازار این بخش تبدیل شده‌ایم. برای نمونه سرتاج‌ها و سردرهای پیش‌ساخته ماکه در استان‌های آذربایجان غربی و شرقی احداث‌شده‌اند، نمونه مشابهش در بازارهای پایتخت هم حتی پیدا نمی‌شود.»

وی در ادامه می‌افزاید: «همکاران ما با چنان پشتکاری فعالیت می‌کنند که ما پس از تولید هر محصول می‌توانیم بلافاصله بازار داخلی را اشباع کنیم و حتی به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و کشورهای همسایه آذری‌زبان نیز صادرات داشته باشیم و بر بازار آنها نیز مسلط شویم.»

برخی از پروژه‌های اجرا شده از سوی «طراحان ماندگار عصر» عبارت است از: «تبریز ۲۰۱۸» در ائل‌گلی تبریز، طراحی معماری ساختمان پایانه جدید یک تبریز، ساختمان جدید استانداری آذربایجان شرقی در میدان شهدای تبریز، عناصر شهری مربوط به بازی‌های آسیایی و زیباسازی ورزشگاه رضازاده اردبیل برای مسابقات بین‌المللی والیبال، سازه‌های چادری و نیمکت‌های پارک آب‌وآتش تهران، عنصر شهری I love Tehran در میدان آزادی تهران، عناصر معماری شهری مذهبی در میدان امام حسین تهران، عناصر شهری مربوط به شهید قاسم سلیمانی و ذوالفقار در سطح شهرها و همین‌طور پروژه‌های دیگری در کیش، مشهد و باکو.

راه‌های ارتباطی با طراحان ماندگار عصر

info@tma-int.co

tarrahanemandegar@

۰۴۵۳۳۲۳۵۰۹۳

مدیر فروش و بازرگانی:
۰۹۱۲۰۲۴۱۵۸۹